

# در لاماسیای سینمای ایران چه خبر است؟



ابمان عظیمی  
خبرنگار گروه فرهنگ

چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، کار خود را از جمعه ۲۷ مهرماه با دبیری مهدی آذرپندار شروع می‌کند. جشنواره‌ای که باید آن را مهم‌ترین رویداد داخلی در زمینه فیلم کوتاه دانست چون حضور در آن چه به‌عنوان مخاطب و چه در قامت فیلمساز کنجکاوی‌های زیادی در دل به وجود می‌آورد که در دیگر جشنواره‌ها کمتر می‌توان سراغی از آن گرفت. مردم با حضور در سالن‌های نمایش فیلم، خود را در مقام کشف‌کنندگان اصلی استعدادهای فیلمسازی می‌بینند و سینماگران عموماً چون هم از اینکه قرار است آثارشان در مهم‌ترین رویداد سینمای کوتاه کشور مورد ارزیابی قرار بگیرد بسیار ذوق‌زده می‌شوند؛ مضاف بر اینکه این جشنواره از سال ۱۴۰۰ طی مکاتبات بسیار با آکادمی اسکار توانست به‌عنوان یکی از دروازه‌های ورود آثار کوتاه به این جشن سینمایی، نامش را در سراسر دنیا بر سر زبان‌ها بیندازد. اما همه اینها باعث نمی‌شود که بعضی از سینماگران جوان از فیلم کوتاه به‌عنوان مد‌خلی برای ورود به عرصه سینمای داستانی یاد نکنند. در این گزارش قصد داریم فارغ از درستی یا غلطی ذهنیتی که نسبت به مقوله فیلم کوتاه در میان تعدادی از فیلمسازان جوان وجود دارد به برخی از سینماگران شاخصی که از این فضا وارد سینمای داستانی شدند، بپردازیم.

## کیارستمی، بیضایی، عیاری... از فیلم کوتاه شروع کردند

برای اینکه ردپای فیلم کوتاه را در معرفی کارگردانان بزرگ مورد بررسی قرار دهیم باید به تاریخ سینمای ایران مراجعه کنیم، چون سینمای ما در حوزه فیلم کوتاه و مستند قدمت قابل توجه، زیاد و فراموش‌ناشدنی‌ای دارد و دامنه آن تقریباً به گستردگی اولین روزهای مطرح شدن سینمای ایران به‌عنوان یک هنر و صنعت جدی است. بسیاری از سینماگران برجسته ما در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی علاوه بر اینکه در دامان ادبیات ایران رشد کرده بودند و سر بر بالین این مدیوم داشتند کار خود را در حوزه سینما با ساخت فیلم کوتاه آغاز کردند.

بهرام بیضایی ساخت اولین فیلم کوتاهش را با هدایت داستان کوتاهی از فریدون هدایت پورو تهیه‌کنندگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۹ تجربه کرد. این فیلم «عمو سیبیلو نام داشت و بیضایی بالحنی به‌غایت طنانانه داستانش را با بازی صادق بهرامی و چچه‌های کوی کن روایت می‌کرد. عواملی که بهرام بیضایی را در فیلم کوتاه عمو سیبیلو همراهی کردند همگی جزء ارکان سینمای پیشروی ایران در آن سال‌ها بودند. برای مثال، اسفندیار منفردزاده وظیفه ساخت موسیقی این اثر را برعهده داشت؛ او کسی بود که معنای تازه‌ای به موسیقی فیلم در ایران بخشید و ردپای مهمی از خود در فیلم‌های شاخص سینمایی برجای گذاشت. عباس گنجوی هم وظیفه رقی و فقی امور مربوط به تدوین را داشت، او هم یکی از دلایل پیشرفت تکنیکی آثار موج نو بود. عمو سیبیلو، شروع مناسبی برای بهرام بیضایی در سینما به حساب می‌آمد چون او توانست در مرحله پرداخت اثر آنقدر خوب عمل کند که همگان را نسبت به تماشای آثار بعدی خود در سینمای داستانی کنجکاوانه سر ذوق بیاورد. او پس از ساخت و نمایش این فیلم، آثار دیگری هم در سینمای کوتاه نظیر «سفر» (۱۳۵۱)، «گفت‌وگو با باد» (۱۳۷۷) و «قالی سخنگو» (۱۳۸۵) تولید کرد ولی این عمو سیبیلو بود که نام بهرام بیضایی را سر زبان‌ها انداخت.

در میان چهره‌های بلندآوازه و شاخص سینمای مملکت ما، سرنوشت هیچ‌کس به اندازه عباس کیارستمی باقالی پر نقش فیلم کوتاه‌گره نخورده است. کیارستمی علاوه بر اینکه شناخته‌شده‌ترین فیلمساز ایرانی در مجامع هنری بین‌المللی است، یک فیلم کوتاه‌ساز قهار هم محسوب می‌شود. او با آثارش در این حیطه با چراغی در دست در مقام راهنمای جدی فیلمسازان نوظهور و جوان عمل کرد و بسیاری را به سمت کار در حوزه سینمای کوتاه روانه این فضای کمتر شناخته‌شده کرد. وقتی به کارنامه هنری کارگردان «طعم گیلان» و «مشق شب» نگاه می‌اندازیم از تعداد زیاد فیلم‌های کوتاه و خلاقانه به وجد می‌آیم. کیارستمی موافقان و مخالفان جدی‌ای داشت ولی حتی مخالفانش هم نمی‌توانستند هوش و ذکاوت او در انتخاب سوژه و شیوه مواجهه با آن نادیده بگیرند و نقدش نکنند. کیارستمی هم فعالیت‌های سینمایی‌اش را به مانند

## چند فریم کوتاه از جشنواره چهل و یکم

«دانشمند فلسطینی برای اینکه بتواند پسرش را که درگیر نابینایی است، نجات دهد، همه تلاشش را می‌کند...» از فلسطین گفتن حتماً یکی از نکات مهم جشنواره فیلم کوتاه امسال است، «فلسطین در چشم‌های من» اولین فیلم داستانی در ایران است که با هوش مصنوعی ساخته شده، فیلمی که سرروش البخشی‌ناتینی، کارگردانی کرده و روایت یک دانشمند فلسطینی‌فعال در حوزه هوش مصنوعی را برای مخاطبانش به عهده گرفته است.

مرتد اثر مشترک داوود مرادیان و امیر ایلی است، یک فیلم ۲۹ دقیقه‌ای که در ژانر جنایی تولید شده. فیلم روایت‌گر پرونده یک قتل است. داستان روایت ایلیلی و مرادیان، در اولین تجربه ژانر جنایی، سعی کرده‌اند تا داستانش را مؤثر برای مخاطب تعریف کنند.

خانواده‌ای سه نفره، توسط سرکارگر از محل کارشان اخراج شده‌اند و فرزند بزرگ خانواده به دنبال انتقام است، این داستان فیلم کوتاه تانکر است که امیر پذیرفته کارگردانی آن را به عهده دارد. پذیرفته قبل از این با فیلم کیسول در جشنواره سی‌وهشتم فیلم کوتاه جایزه گرفت و حالا با روایت جدید در ژانر اجتماعی به این جشنواره آمده است.

بیضایی از سینمای کوتاه آغاز کرد و با فیلم کوتاه «نان و کوجه» (۱۳۴۹) اولین محصول سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را برای این مجموعه ساخت. او پیش از این به جز فعالیت در امور مربوط به کارگردانی فیلم‌های تبلیغاتی، تجربه‌ای در زمینه تولید فیلم‌های کوتاه نداشت و تمام آنچه به این عرصه مرتبط بود را در کانون فراگرفت. کیارستمی برخلاف رویکردی که کارگردانان موج نویی به سینما داشتند عمل کرد و در تمام سال‌های فعالیتش از حضور در جریان اصلی سینمای کوتاه به‌هیچ‌وجه غافل نماند. تعداد زیادی از آثار مهم و تاریخی این فیلمساز در قالب فیلم کوتاه به مخاطبان ایرانی و جهانی عرضه شد که از میان آنها می‌توان به «قضیه شکل آزل، شکل دوّم»، «همسرایان»، «لیاسی برای عروسی»، «روثی من کجاست» (از مجموعه هرکس سینمای خودش)، «دندان درد» و... اشاره کرد.

ناصر تقوایی پیش از آنکه وارد سینما شود با مجموعه داستان کوتاه «تابستان همان سال» (۱۳۴۸) در فضای ادبیات شناخته‌شده بود ولی پیش و پس از آن هم چند مستند کوتاه برای تلویزیون ملی ایران تولید کرده بود. ساخت «تاکسی متر» (۱۳۴۶)، «آرایشگاه آفتاب» (۱۳۴۶)، «نانخورهای بی‌سواد» (۱۳۴۶)، «زن‌ها و حرفه‌ها» (۱۳۴۹)، «فرخ فرخزاد» (۱۳۴۶)، «موسیقی جنوب» (۱۳۵۰)، «مشهد قالی» (۱۳۵۰)، «اربعین» (۱۳۴۸)، «نخل» (۱۳۴۸)، «باد جن» (۱۳۴۸)، «پنج‌شنبه بازار میناب» (۱۳۴۸) نشان می‌دهد که ناصر تقوایی برخلاف آثار نه‌چندان زیادش در سینمای داستانی، با ساخت فیلم‌های کوتاه مستند جایگاه مهم و قابل‌تکلیبی در این عرصه دارد که کتمان کردن آن جفا به سینمای مستند و کوتاه ماست. تقوایی آوازه خود را با ساخت فیلم کوتاه «رهایی» در سال ۱۳۵۰ از مرزهای ایران فراتر برد زیرا توانست با اثر این در جشنواره ونیز در سال ۱۹۷۲ خوش بدرخشد و جایزه بهترین فیلم کوتاه جشنواره سانفرانسیسکو را هم به دست آورد. تقوایی بعدها در سال ۱۳۷۷ در قالب «نیزود» کشتی یونانی» در فیلم قصه‌های کبش برای بار دیگر فرصت قرار گرفتن پشت دوربین یک فیلم کوتاه را پیدا کرد. پیش از انقلاب نهادها و مراکز همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و سینمای آزاد وظیفه خطیر ترویج سینمای کوتاه و مستند را برعهده داشتند و استعداد‌های زیادی را هم در این حوزه‌ها پرورش دادند. اگر عباس کیارستمی و بهرام بیضایی را به نوعی فرزند کانون پرورش فکری در نظر بگیریم، به‌طور حتم می‌توانیم کاینوش عیاری را مهم‌ترین استعداد برآمده از جریان سینمای آزاد قلمداد کنیم. عیاری سینما را با فعالیت در عرصه فیلم کوتاه و انیمیشن از شناخته‌شده‌ترین فیلمسازان آزاد آغاز کرد و رفته‌رفته به فیلمسازی با‌مؤلفه‌های مشخص داستانی تبدیل شد. «خابکاران»، «روززهر»، «بر مفرش خاک خفتگان می‌بینم» فیلم‌های مهم کاینوش عیاری بودند که با دوربین هشت میلی‌متری فیلمبرداری شدند. در این میان نباید انیمیشن کوتاه «مقاله» را از نظر دور نگاه داشت. عیاری نشان داد که برای وی هیچ فرقی میان فضای آثار تجربی هشت میلی‌متری، فیلم بلند داستانی و مجموعه‌های تلویزیونی نیست چون او کارش را به نحوی که منتقد بتواند با تماشای آنها به نقد جدی بنشیند، بلد است.

اگرچه داریوش مهرجویی کارش را در سینمای ایران با ساخت فیلم کوتاه شروع نکرد و از همان ابتدا با «الماس ۳۳» و «گاره» وارد جریان اصلی شد، ولی در ادامه توانست با دو فیلم «دختردایی گم شده» (۱۳۷۷) و «فرش و فرشته» (۱۳۸۵) نقشی هرچند کوتاه اما تاریخی از خود به جای گذارد و در سال ۱۴۰۰ نشان ایسفا را از یازدهمین دوره جوایز آکادمی فیلم کوتاه ایران دریافت کرد. کارنامه مسعود کیمیای هم مملو از آثار بلند سینمایی است ولی ردپای فیلم‌های کوتاهی نظیر «پسر شرقی» (۱۳۵۴) و «اسب» (۱۳۵۵) را می‌توان دید. از بین این دو، پسر شرقی فیلم مهم و قابل‌تکلیبی است ولی در هر دوی این فیلم‌ها عشق حرف اول را می‌زند؛ عشق پسر به اسبی که پرورشش داده و عشق بچه‌ها به سینما. مسعود کیمیایی شرح دل‌دادگی به یک موجود زمینی و چیزی که وجودش به فکر انسان گره خورده است را خوب می‌فهمد.

## از سعید روستایی تا بردان ارک همه مسافران یک قطار بودند

سینما از زمان انقلاب و روی کار آمدن جمهوری اسلامی به کل تغییر کرد و شیوه ساخت فیلم هم به مرور شکلی حرفه‌ای‌تر به خودش گرفت. سینماگران هم برای ورود به جریان اصلی فیلمسازی راه‌های بیشتری داشتند و سینما به‌عنوان یکی از

معدود ابزار سرگرمی تبدیل به آمل و آرزوهای نسل برآمده از انقلاب شده بود. استعداد‌های جوان آلترناتیوهای بیشتری برای راه‌یابی به سینمای داستانی داشتند که فقط یکی از آنها ساخت فیلم کوتاه محسوب می‌شد که به کرات از آن بهره‌مند شدند. یکی از این استعدادها، سعید روستایی بود که با ساخت فیلم کوتاه «محصول» (۱۳۹۰) پایش را به سینما باز کرد و در ادامه با قرار گرفتن در پشت دوربین فیلم کوتاه «مراسم» (۱۳۹۲) - که بعداً از آن در ساخت فیلم بلند «برادران لیلا» تأثیر گرفت - به اسم شاخصی در سینمای کوتاه تبدیل شد. بسیاری از مخاطبان سینما، بهمن و بهرام ارک را با فیلم تحسین‌شده «پوست» به خاطر می‌آورند، اما زمین اصلی بازی این دو برادر پیش از حضور در سینمای داستانی، فیلم کوتاه بود و آنها در این زمین به هر افتخاری که فکرش را می‌کنید دست پیدا کردند. مهم‌ترین دستاورد این دو را می‌توان تولید فیلم کوتاه «حیوان» دانست. حیوان هم در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر، سیمیرغ بهترین فیلم کوتاه را برای سازندگانش به دست آورد و هم با دریافت جایزه دوم بخش سینه‌فونداسیون فستیوال فیلم کن، نامش را در تاریخچه برگزاری این جشنواره حک کرد. از دیگر فیلم‌های مهم کوتاه بردان ارک می‌توان به «نجس» و «آفتاب سوخته» اشاره کرد.

محمد کارت هم یکی دیگر از مهم‌ترین محصولات سینمای کوتاه ایران است که عموم مردم او را بیشتر به دلیل ساخت فیلم سینمایی «شنای پروانه» و سریال «یاغی» می‌شناسند. او با اولین فیلم سینمایی‌اش چنان در میان مردم شناخته شد که کمتر کسی به کارنامه وی در طول سال‌ها فعالیت در سینمای مستند و کوتاه نگاه‌ای انداخت. کارت با فیلم کوتاه «بچه‌خور» در سال ۱۳۹۷ جایزه بزرگ فستیوال اودنسه دانمارک را به دست آورد و نگاه‌ها را به سمت فعالیت‌های خود دزدید. البته کار او در حوزه فیلم کوتاه فقط به ساخت فیلم‌هایی نظیر بچه‌خور و «تیر» خلاصه نمی‌شود. او مسیر طولانی‌ای را برای مطرح شدن طی کرد و در تعداد زیادی از فیلم‌های کوتاه و بلند به طرق مختلف حضور داشت و بازیگری را نیز در هر دو زمینه امتحان کرد.

«جنگل پرتقال» یکی از فیلم‌های مهم جشنواره فجر در سال ۱۴۰۱ بود که توانست سازندگان را در سه رشته بهترین بازیگر نقش اول زن، بهترین بازیگر نقش اول مرد و بهترین فیلم اول نامزد کند. آرمان خوانساریان، کارگردان و نویسنده این فیلم بود که در روزهای پراسترس پاییز و زمستان ۱۴۰۱ داشت خود را برای حضور در جشنواره فجر آماده می‌کرد. اما باید گفت روزگار برای او همیشه به این حد استرس زانیده است. خوانساریان هم مانند یکی دیگر از هنرمنان، آرنه وزیردفتی را بلندآوازه کردن نامش در فضای فیلم کوتاه وارد سینمای بلند داستانی شد. او با ساخت فیلم‌های مهمی مثل «مسیر کله‌غازی» و «سایه قیل» توانایی خود به‌عنوان یک کارگردان مستعد را به رخ دیگران کشید و کارش را برای قرار گرفتن در پشت دوربین اولین فیلم بلند سینمایی آسان کرد.



فیلم کوتاه «آپاترید» به نویسندگی و کارگردانی سیدمحمد حسین حسینی تهیه‌کنندگی محمد گودرزی است. این فیلم که در ژانر ملودرام و اجتماعی ساخته شده، یوسف گمشده است و همه نگران او هستند، همین چند کلمه روایت داستان حسینی در فیلم کوتاهش است. امینه، دختری هشت‌ساله است که با پدر بزرگش زندگی می‌کند و هرشب از حفره سقف ویران شده خانه، به آسمان خیره می‌شود تا با دیدن ستاره دنباله‌دار آرزویش برآورده شود. واقعیت، اما شبیه به خیال او پیش نمی‌رود. این داستان فیلم کوتاه «شازده کوچولو» است که دوباره روایتگر داستانی از فلسطین شده است.

«مرخ» روایت محیط‌بان کرمانجی به نام رامان است که در منطقه حفاظت‌شده گلپیل شیروان مشغول به حراست و حفاظت از درختان مرخ است. حسین فیروزه، کارگردان فیلم کوتاه مرخ، درباره این اثر می‌گوید: «اهمیت و تکثیر درخت مرخ که دغدغه محیط زیستی را دنبال می‌کند و در قالب یک فیلم بومی و محلی با دیالوگ فیلم به زبان کرمانجی و در منطقه گلپیل به نمایش داده می‌شود. فیلمنامه آن ۶ ماه به طول انجامید و یک ماه درگیر پیش‌تولید بودیم.»

احمد یوسفی است. روایت عاشقی که بعد از ۴۰ سال زنده و جاودانه است. فیلم پاییز آمد، با عنوان «اینجا فرمانده منم، من دستور می‌دم» به جشنواره می‌آید.

فیلم کوتاه «سر» به کارگردانی سیدعلیرضا رضایی و تهیه‌کنندگی سجاد انتظاری تولید شده است؛ این فیلم داستان پسر نوجوانی است که در تلگرافخانه پدرش کار می‌کند و با سسر میرزا کوچک خان جنگلی و شخصی که سر میرزا را از بدن جدا کرده مواجه می‌شود... سجاد انتظاری تهیه‌کننده این فیلم می‌گوید: «ایده اصلی فیلمنامه فیلم سر، از دل سینمای حماسه بیرون آمد. رویدادی که طی یک قرآیند کارگاهی در تبیین مفهوم ژانر حماسی شکل گرفت و با استقبال خوب فیلمسازان کشور مواجه شد.» تمرکز سینما حماسه بر ساخت فیلم‌های کوتاه در ژانری بود که این سال‌ها مغفول مانده بود و این نشان داد که اگر بستر و شرایط تولید در دیگر ژانرها فراهم شود، ما شاهد تولیدات متنوع خواهیم بود. سر، در مدت زمان ۳۳ دقیقه‌ای راوی نوجوانی است که در لحظه‌ای حساس در برابر خیانت به قهرمان ملی‌اش و در دفاع از او دست به عمل جسورانه‌ای می‌زند.

فیلم کوتاه «تا صبح» به نویسندگی و کارگردانی الهام هادی نژاد برای اولین بار در بخش «شاخه زیتون» جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به نمایش درمی‌آید. این فیلم در ۱۱ دقیقه مادری را نشان می‌دهد که فقط یک شب زمان نیاز دارد تا نوزادش زنده به‌ماند... مرضی‌اعلایی تهیه‌کننده این فیلم درباره شکل‌گیری‌اش می‌گوید: «در واقع الهام هادی نژاد که نویسنده‌ی کارگردانی فیلم را برعهده دارد، تجربه بیماری فرزند کم سن و سال خودش را در حالی که در یک خانه در عراق محبوس شده بودند، داشتند که تجربه بسیار سخت و تلخی بود. این تجربه در کنار مسئله غزه و داستان بیمارستان شفا و رساندن صدای مادران مقاومت به گوش جهانیان، موتور محرک ثانوی تولید این فیلم بود. همچنین یک دغدغه مهم دیگر ما هم نشان دادن تأثیری است که ایران در حمایت از جریان مقاومت دارد.»

پاییز آمد را باید یکی از کتاب‌های متفاوت از خاطرات همسران شهدا دانست؛ حالا قرار است در جشنواره فیلم کوتاه، روایت این کتاب به تصویر درآید. این فیلم به کارگردانی سجاد انتظاری تولید شده و برشی از کتاب «پاییز آمد»؛ خاطرات فخرالسادات موسوی همسر سردار شهید

